پرتوی از زندگانی

شش معصوم مدینه منوره

علیهم السلام

و شهدای احد همراه سه مناظره

علی عطایی اصفهانی

بسم الله الرحمن الرحیم

پرتوی از زندگانی شش معصوم مدینه منوره علیهم‌السلام و شهدای احد همراه سه مناظره

نویسنده:

علی عطائی اصفهانی

ناشر چاپی:

دفتر آیت‌الله العظمی فاضل‌لنکرانی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پرتوی از زندگانی شش معصوم مدینه منوره علیهم‌السلام و شهدای احد همراه سه مناظره

مشخصات کتاب

سرشناسه : عطائی اصفهانی، علی

عنوان و نام پدیدآور : پرتوی از زندگانی شش معصوم مدینه منوره علیهم‌السلام و شهدای احد همراه سه مناظره/ علی عطائی‌اصفهانی.

مشخصات نشر : قم: دفتر آیت‌الله العظمی فاضل‌لنکرانی، بخش فرهنگی، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری : ۲۷۲ ص.؛ ۱۱ × ۵/۲۰ س‌م.

شابک : ۱۵۰۰۰ ریال

یادداشت : کتابنامه به صورت زیر نویس.

موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت -۱۱ق -- .سرگذشتنامه

موضوع : شیعه -- سرگذشتنامه

شناسه افزوده : دفتر آیت‌الله العظمی فاضل‌لنکرانی. بخش فرهنگی.

رده بندی کنگره : BP۲۲/۹/ع۶پ۴ ۱۳۸۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۳

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۴۷۳۳۶

امام حسن مجتبی

نام مبارک آن حضرت: حسن. لقب مشهور: مجتبی. کنیه‌ی مشهور: ابامحمد. پدر بزرگوار: امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام. مادر گرامی: فاطمه‌ی زهرا علیهاالسلام. تاریخ ولادت: پانزدهم ماه رمضان سال سوم هجری. تاریخ شهادت: بیست و هشتم ماه صفر سال پنجاهم هجری و به قولی هفتم ماه صفر و به قولی آخر ماه صفر. مدت عمر مبارک: (بنابر مشهور) چهل و هفت سال. مدت امامت: ده سال. محل شهادت: مدینه‌ی منوره محل دفن: قبرستان بقیع امام مجتبی علیه‌السلام مورد علاقه‌ی شدید رسول خدا صلی الله علیه و اله بود، پس از رحلت آن حضرت، در کنار پدر بزرگوارش امیرالمؤمنین علیه‌السلام در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان شرکت داشت و پس از شهادت پدر بزرگوارش، به نص و نصب شارع و شارح اسلام، به عنوان دومین امام، امامت امت اسلام را برعهده داشت، پس از حدود شش ماه، معاویه جنگی را بر آن حضرت تحمیل نمود و مردم آن حضرت را تنها گذاشتند. [صفحه ۱۲۲] در خطبه‌ای که بعد از برقراری صلح با معاویه ایراد کرد چنین فرمود: ایها الناس، بدانید که بهترین زیرکی‌ها تقوا و پرهیزکاری است و بدترین حماقت‌ها، فجور و معصیت الهی است، ایها الناس اگر در زیر این آسمان بگردید مردی که جدش رسول خدا صلی الله علیه و اله باشد نخواهید یافت بجز من و برادرم حسین، خدا شما را به محمد صلی الله علیه و اله هدایت کرد، شما از اهل بیت او دست برداشتید، به درستی که معاویه با من در امری که مخصوص من بود منازعه کرد و من سزاوار آن بودم، چون یاوری نیافتم، برای صلاح امت و حفظ خون آنها، از آن دست برداشتم. [۱] .

عبادت و زهد امام مجتبی

از امام صادق علیه‌السلام روایت است که فرمود: پدرم از پدر خود خبر داد که حضرت امام حسن علیه‌السلام در زمان خود از همه‌ی مردمان، عبادت و زهدش بیشتر بود و هر گاه به سفر حج می‌رفت، پیاده می‌رفت و گاهی با پای برهنه راه می‌پیمود و هر گاه مرگ و قبر و بعث و نشور و گذشتن بر صراط را یاد می‌نمود، گریه می‌کرد، و چون عرض اعمال را بر حق تعالی یاد می‌کرد، ناله سر می‌داد و بی‌هوش می‌گشت، و چون به نماز می‌ایستاد بندهای [صفحه ۱۲۳] بدنش می‌لرزید به جهت اینکه خود را در مقابل پروردگار خویش می‌دید، و چون بهشت و دوزخ را یاد می‌کرد، اضطراب می‌نمود، مانند اضطراب کسی که او را مار یا عقرب گزیده باشد و از خدا بهشت را مسألت می‌کرد و از آتش جهنم بخدا پناه می‌برد، و هر گاه در قرآن تلاوت می‌کرد:(یا ایها الذین آمنوا) می‌گفت: «لبیک اللهم لبیک» و در هیچ حالی کسی او را ملاقات نکرد مگر آنکه می‌دید که مشغول به ذکر خداوند است و زبانش از تمام مردم راستگوتر بود و بیانش از همه فصیح‌تر بود... [۲] . نیز نقل شده که: هر گاه وضو می‌گرفت بدنش می‌لرزید و رنگ مبارکش زرد می‌شد، سبب این حال را از آن حضرت پرسیدند، فرمود: سزاوار است بر کسی که می‌خواهد نزد رب العرش به بندگی بایستد آنکه رنگش زرد گردد و بدنش بلرزد. [۳] .

حلم امام حسن

نقل شده که روزی آن حضرت سواره از راهی عبور می‌کرد، مردی از اهل شام آن حضرت را ملاقات کرد و بدون مقدمه و بلافاصله آن حضرت را لعن و ناسزای بسیار گفت، آن بزرگوار هیچ نفرمود تا مرد شامی از دشنام دادن فارغ شد: آنگاه آن [صفحه ۱۲۴] جناب رو به آن مرد کرد و بر او سلام کرد و خنده نمود و فرمود: ای شیخ گمان می‌کنم که غریب می‌باشی و گویا بر تو مشتبه شده باشد امری چند، پس اگر از ما طلب رضایت کنی از تو راضی و خشنود می‌شویم و اگر چیزی سؤال کنی عطا می‌کنیم و اگر از ما طلب ارشاد و هدایت کنی تو را ارشاد می‌کنیم و اگر کمک کار بطلبی فراهم می‌کنیم و اگر گرسنه باشی تو را سیر می‌کنیم و اگر برهنه باشی تو را می‌پوشانیم و اگر محتاج باشی بی‌نیازت می‌کنیم و اگر بی سرپناه باشی پناهت می‌دهیم و اگر حاجتی داری حاجتت را برمی‌آوریم و اگر به خانه ما بیایی و مهمان ما باشی تا وقت رفتن برای تو بهتر خواهد بود زیرا خانه‌ی ما وسیع و جاه و مال ما فراوان است. چون مرد شامی این سخنان را از آن حضرت شنید گریست و گفت: شهادت می‌دهم که تویی خلیفهٔ الله در روی زمین و خدا بهتر می‌داند که رسالت و خلافت را در کجا قرار دهد، پیش از آنکه تو را ملاقات کنم تو و پدرت دشمن‌ترین خلق بودید نزد من، و اکنون محبوب‌ترین خلق خدایید نزد من. پس بار خود را به خانه‌ی آن حضرت فرود آورد و تا در مدینه بود مهمان آن جناب بود و از محبان و معتقدان خاندان نبوت و اهل بیت رسالت گردید. [۴] . [صفحه ۱۲۵]

شهادت امام مجتبی

معاویهٔ بن ابوسفیان می‌دانست که وجود امام حسن علیه‌السلام برای حکومت بنی امیه خطر دارد، لذا جعده، دختر اشعث، همسر امام را که پدر و برادرش در خدمت معاویه بودند، فریب داد تا امام علیه‌السلام را مسموم نماید، و آن زن بی‌وفا چند مرتبه آن حضرت را مسموم کرد و بار آخر با سم سفارشی معاویه، حضرت را به شهادت رساند. از تاب رفت و تشت طلب کرد و ناله کرد آن تشت را ز خون جگر باغ لاله کرد خونی که خورد در همه عمر از گلو بریخت خود را تهی ز خون دل چند ساله کرد در مظلومیت امام مجتبی علیه‌السلام همین بس که جسد مبارکش را در روز روشن، و در وطن خود و در کنار مرقد مطهر جدش رسول خدا صلی الله علیه و اله و در برابر چشم برادران و فرزندان و برادر زادگان و بزرگان فامیل و مردم شهر مدینه، تیرباران کردند و حرمت برای جدش و برای مادرش، برای خود و برادرانش برای مدینهٔ الرسول... قائل نشدند، و از هیچ یک از این امور شرم و حیا نکردند و حقد و کینه‌های بدر و احد و غیر اینها را ظاهر ساختند، الا لعنهٔ الله علی القوم الظالمین. [صفحه ۱۲۶]

حلم آن حضرت معادل کوه...

روایت است که: وقتی جنازه‌ی امام حسن علیه‌السلام را به سمت بقیع حرکت دادند و آتش فتنه خاموش شد، مروان نیز مشایعت کرد و تابوت امام حسن علیه‌السلام را بر دوش کشید، امام حسین علیه‌السلام فرمود که: آیا جنازه‌ی امام حسن علیه‌السلام را حمل می‌کنی و حال آنکه به خدا قسم پیوسته در حال حیات برادرم، دل او را پر از خون نمودی و پی در پی جرعه‌های غیظ به او می‌خورانیدی؟ مروان گفت: من این کارها را با کسی به جا آوردم که حلم و بردباری او با کوه‌ها معادل بود. [۵] . و حلمه له المقام السامی فی حلمه ضلت اولو الأحلام و صبره العظیم فی الهزائز یکاد أن یلحق بالمعاجز من حلمه أصابه من البلا ما لا تطیقه السماوات العلی [۶] . روایت است که: امام حسین علیه‌السلام خواست در روضه‌ی مبارکه‌ی حضرت رسول صلی الله علیه و اله را باز کند که جنازه‌ی امام حسن علیه‌السلام را در آنجا [صفحه ۱۲۷] دفن نماید، مروان و آل ابوسفیان و عده‌ای دیگر جمع شدند و آن زن را سوار کرده و مانع دفن حضرت در پهلوی جدش شدند و سرانجام جنازه‌ی را تیر باران کردند تا آنکه هفتاد تیر از جنازه‌ی آن جناب بیرون آوردند. بنی هاشم خواستند شمشیر بکشند و جنگ کنند، امام حسین علیه‌السلام آنها را قسم داد که چنین نکنند و وصیت امام حسن علیه‌السلام را که فرموده بود: «پای جنازه‌ام قطره‌ای خون ریخته نشود» ضایع نکنند. جسد مقدس امام حسن علیه‌السلام را به جانب بقیع حمل نمودند و نزد جده‌اش «فاطمه‌ی بنت اسد» دفن کردند. [۷] .

بقیع و ارزش دفن در آن

از جمله مکانهای بسیار با شرافت بقیع است که هر کس را در آن مکان مقدس دفن کنند چنانچه شرایط ایمان صحیح را دارا باشد، بدون حساب داخل بهشت می‌شود. از رسول خدا صلی الله علیه و اله نقل است که فرمود: «خداوند متعال روز قیامت امر می‌کند اطراف قبرستان حجون (که در مکه است) و قبرستان بقیع را بگیرند و آنها را در بهشت قرار دهند.» [۸] . [صفحه ۱۲۸] همچنین از رسول خدا صلی الله علیه و اله نقل است که فرمود: «کسی که در مقبره‌ی ما «بقیع» دفن گردد از شفاعت من برخوردار خواهد شد.» [۹] . نیز نقل شده که یکی از روزها آن حضرت به بقیع آمد و فرمود: «در آخرت از این قبرستان هفتاد هزار نفر برانگیخته شده و بدون حساب به بهشت می‌روند در حالی که صورتهای آنان مانند ماه شب چهارده می‌درخشد.» [۱۰] .

زیارت و گریه بر امام حسن

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله نقل است که فرمود: هر کس بر فرزندم حسن بگرید دیده‌اش نابینا نشود روزی که دیده‌ها نابینا شوند و هر کس بر مصیبت او اندوهناک شود، اندوهناک نشود دل او در روزی که دلها اندوهناک شوند، و هر کس او را در بقیع زیارت کند، قدمش بر صراط نلغزد، روزی که قدمها بر آن لرزان و بلغزد. [۱۱] . [صفحه ۱۲۹]

برخی از مواعظ امام حسن

نصایح آن حضرت در بستر شهادت

جنادهٔ بن ابی‌امیه گوید: در بیماری امام حسن علیه‌السلام که به آن بیماری ارتحال فرمود، به خدمت آن حضرت رفتم، دیدم در جلوی حضرت تشتی گذاشته و لخته‌های خون از گلوی مبارکش در آن تشت می‌ریخت...، در این موقع از آن حضرت تقاضای موعظه کردم، پذیرفت و فرمود: آماده سفر آخرت باش و قبل از مرگت توشه‌ی سفر را تهیه کن و بدان که تو در طلب دنیایی و

مرگ تو را می‌طلبد، غصه‌ی آینده را در زمان حال نخور، بدان که آنچه بیشتر از روزی‌ات جمع می کنی، خزینه دار دیگران هستی. بدان که در حلال دنیا حساب و در حرامش عقاب و در چیزهای شبهه‌ناک توبیخ می‌باشد. پس دنیا را به منزله‌ی مرداری بپندار و از آن به مقدار آنچه که انسان مضطر، از گوشت مردار استفاده می کند، بهره گیر، تا اگر حلال باشد، زهد پیشه کرده باشی، و اگر حرام باشد، معذور شناخته شوی، و اگر شبهه ناک باشد توبیخ مختصری شوی. برای دنیایت چنان کار کن که گویا همیشه هستی، و برای آخرتت آنگونه باش که گویا فردا خواهی مرد. اگر عزت، بدون طایفه و هیبت، بدون قدرت می‌خواهی، از ذلت معصیت به عزت اطاعت خداوند پناه ببر. [۱۲] . [صفحه ۱۳۰]

صفات با ارزش

حضرت فرمود: ای انسان از حرام‌های خداوند دوری کن تا عابد محسوب شوی، و به آنچه خدا به تو داده راضی باش که در این صورت غنی می‌باشی، و با هر که همسایه شدی حسن جوار داشته باش تا مسلمان واقعی باشی، و با مردم آن چنان رفتار کن که دوست داری دیگران با تو چنان رفتار نمایند، تا عادل شناخته شوی. [۱۳] .

اهمیت و ارزش مشورت

نیز آن حضرت فرمود: هیچ گروهی در کار خود به مشورت نپرداختند مگر آن که به کمال خود راه یافتند. [۱۴] . [صفحه ۱۳۱]

معنای بخل

امام حسن مجتبی علیه‌السلام فرمود: بخل آن است که انسان آنچه را انفاق کرده، هدر رفته پندارد و آنچه را جمع کرده مایه‌ی شرافت بداند. [۱۵] .

سه خصلت مهلک

نیز آن حضرت فرمود: سه خصلت ناپسند موجب هلاکت مردم است: تکبر، حرص و حسد، زیرا تکبر دین را از بین می‌برد و شیطان بخاطر تکبر گرفتار لعنت گردید، و حرص دشمن جان آدمی است و حضرت آدم به خاطر حرص از بهشت اخراج گردید، و حسد پیشرو بدیها است، و قابیل به خاطر حسد ورزی برادرش هابیل را کشت. [۱۶] .

ادب و آداب غذا خوردن

- نقل است که امام حسن مجتبی علیه‌السلام فرمود: «در غذا خوردن دوازده صفت است که بر هر مسلمانی لازم است آنها را بداند، چهار صفت واجب است، چهار [صفحه ۱۳۲] صفت مستحب است، چهار صفت ادب است. اما چهار صفت که واجب است عبارتند از: ۱. معرفت، ۲. رضا، ۳. گفتن بسم الله، ۴. شکر. اما چهار صفت که مستحب است عبارتند از: ۱. دست را قبل از غذا شستن، ۲. هنگام غذا خوردن بر سمت چپ نشستن، ۳. با سه انگشت غذا خوردن، ۴. بعد از غذا انگشتان را تمیز نمودن. اما ادب غذا خوردن عبارتند: ۱. از جلوی خود غذا خوردن، ۲. لقمه را کوچک گرفتن، ۳. غذا را خوب جویدن، ۴. بصورت مردم کم نگاه کردن. [۱۷] .

پاورقی

[۱] بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۶۲.

[۲] بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۳۱.

[۳] همان، ص ۳۳۱.

[۴] بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۴۴.

[۵] الارشاد، ج ۲، ص ۱۹.

[۶] از ارجوزه‌ی مرحوم اصفهانی طاب ثراه.

[۷] تلخیص از منتهی الآمال.

[۸] «ان الله تعالی یأمر یوم القیامهٔ أن یأخذوا باطراف الحجون و البقیع فیطرحان فی الجنهٔ»، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۰۸ و منتهی الامال، تاریخ امام سجاد علیه‌السلام.

[۹] وفاء الوفا سمهودی.]

[۱۰] همان.

[۱۱] امالی شیخ صدوق قدس سره، مجلس ۲۴، ذیل ح ۲، ضمنا این روایت طولانی است و به طور کامل در کتاب چرا چرا؟ ج ۱، ص ۲۳۲ آورده‌ام.

[۱۲] «استعد لسفرک و حصل زادک قبل حلول اجلک، و اعلم انک تطلب الدنیا، و الموت یطلبک و لا تحمل هم یومک الذی لم یأت علی یومک الذی انت فیه، و اعلم انک لا تکسب من المال شیئا فوق قوتک الا کنت خازنا لغیرک، و اعلم ان فی حلالها حسابا و فی حرامها عقابا و فی الشبهات عتابا فأنزل الدنیا منزلهٔ المیتهٔ، خذ منها ما یکفیک فان کان ذلک حلالا قد زهدت فیه و ان کان حراما لم یکن فیه وزر فاخذت کما اخذت من المیتهٔ، فان کان العتاب فالعتاب یسیر و اعمل لدنیاک کانک تعیش ابدا، و اعمل لاخرتک کانک تموت غدا و اذا اردت عزا بلا ـ عشیرهٔ و هیبهٔ بلا ـ سلطان فاخرج من ذل معصیهٔ الله الی عز طاعهٔ الله عزوجل»؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۳۹.

[۱۳] «قال علیه‌السلام: یا بن آدم! عف عن محارم الله تکن عابدا، و ارض بما قسم الله تکن غنیا، و احسن جوار من جاورک تکن مسلما، و صاحب الناس بمثل ما تحب ان یصاحبوک به تکن عدلا.».

[۱۴] «قال علیه‌السلام: ما تشاور قوم الا ـ هدوا الی رشدهم.»؛ تحف العقول، سخنان کوتاه امام حسن مجتبی علیه‌السلام، حدیث شماره‌ی ۱.

[۱۵] «قال علیه‌السلام: البخل ان یری الرجل ما انفقه تلفا، و ما امسکه شرفا»؛ الدرهٔ الباهره / ۲۲.

[۱۶] قال علیه‌السلام: هلک الناس فی ثلاث: الکبر، و الحرص و الحسد. فالکبر هلاک الدین و به لعن ابلیس، و الحرص عدو النفس و به اخرج ادم من الجنهٔ، و الحسد رائد السوء، و منه قتل قابیل هابیل»؛ اعیان الشیعهٔ، ج ۱، ص ۵۷۷.

[۱۷] خصال شیخ صدوق قدس سره، باب‌های دوازده گانه، ح شماره‌ی ۱۲.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی

آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابـل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر انـدیش اداره و تامین گردیـده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضـر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صـاحب اصـلی ایـن خـانه (قـائمیه) امیـد داشـته و امیـدواریم حضـرت بقیه الله الاـعظم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف تـوفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شـماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شـماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سـندش، از امام حسـین علیه السـلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم مـا که به دسـتش رسـیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرمایـد: «ای بنـده بزرگوار شریـک کننـده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سـزاوارترم. فرشـتگان من! برای او در بهشت، به عـدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینـوایی ضـعیف را دارد و تـو او را از دسـتش می‌رَهـانی، یـا مردی نـاصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضـعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سـپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زیـد: امام حسـین علیه السـلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخوانـد و او اجابت کنـد، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹